

دکتر متیو اس. هارمون، استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس

جلسه ۲، ارزش زمینه و شبکه‌های متنی

توسط تد هیلدبرانت BiblicaleLearning.org حمایت شده توسط

من دکتر متیو اس. هارمون هستم در تدریسش در مجموعه «استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس». این جلسه دوم ارزش زمینه و شبکه‌های متنی است.

به جلسه دوم دوره ما در مورد «استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس» خوش آمدید.

و در این جلسه، ما قصد داریم در مورد ارزش بافت و شبکه‌های متنی صحبت کنیم. و صرفاً جهت یادآوری، این محتوا بر اساس مطالبی است که در «چگونه استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس را مطالعه کنیم» یافت می‌شود. و به طور خاص، این محتوا از فصل چهارم آمده است، که فصلی در مورد بافت‌های افقی و عمودی است.

و بنابراین باید روشن کنیم: منظور ما از بافت افقی و عمودی چیست؟ بافت افقی: منظور ما از این، آیات پاراگراف‌ها، فصل‌ها، کتاب و حتی بخش اصلی متن است. بنابراین آنچه ما معمولاً به آن فکر می‌کنیم، عمدتاً به معنای بافت ادبی، جایی است که متنی که به آن نگاه می‌کنید در پاراگراف‌ها، فصل‌ها، کتاب و غیره اطراف قرار می‌گیرد. نوع دیگری از بافت که قرار است در مورد آن صحبت کنیم و احتمالاً کمی بیشتر از نوع دیگر روی آن وقت خواهیم گذاشت، بافت عمودی است.

و این زمینه توسط اشاراتی ایجاد می‌شود که متون را در تاریخ رستگاری به هم متصل یا مهار می‌کنند. بنابراین ایده این است که همانطور که نویسندگان کتاب مقدس به متون اشاره می‌کنند، انباشتی از معنا رخ می‌دهد. تقریباً مانند شروع با یک گلوله برفی کوچک در بالای تپه است که آن را به پایین هل می‌دهید.

و همینطور که از دامنه تپه پایین می‌غلند، برف بیشتر و بیشتری را جمع می‌کند و بزرگتر می‌شود. و بنابراین با ادامه کار، واضح‌تر خواهیم دید که این به چه معناست. بنابراین، زمینه افقی، زمینه عمودی.

در اینجا یک تصویر کلی از چگونگی تعامل بافت‌های عمودی و افقی ارائه شده است. فرض کنید متنی دارید که آن را دارد. اکنون یک مثال واقعی از این C از قبل اشاره‌ای به متن B اشاره دارد، اما متن B به متن A می‌نامیم. متن A متن موضوع را نشان خواهیم داد، بنابراین اگر این موضوع کمی مبهم به نظر می‌رسد، با من همراه باشید. و همچنین ممکن است در ذهن دارد C اشاره نمی‌کند، بلکه متن B فقط به متن A است این مورد وجود داشته باشد که متن

و سپس این نشانگرهای افقی را اینجا می‌بینید، و اینها بافت‌های ادبی اطراف هستند. بنابراین آیات اطراف هر یک از این متون، پاراگراف‌های اطراف و فصل‌های اطراف. و چیزی که می‌خواهم با آن شروع کنم و به آن اشاره کنم این است که بافت عمودی می‌تواند و اغلب بافت افقی را فعال می‌کند.

و بعداً متوجه منظوم خواهید شد. اما برای توضیح مختصر، وقتی متن الف با متن ب درگیر می‌شود، لزوماً فقط با آن بیت بلافاصله که به آن اشاره یا نقل قول می‌کند درگیر نمی‌شود. اغلب زمینه افقی اطراف را نیز در ذهن دارد.

بعداً در این سخنرانی مثالی از آن خواهیم دید. حالا، از یک نظر، این یک نسخه ساده از این است، درست است؟ این می‌تواند خیلی سریع خیلی پیچیده شود. بنابراین، برای مثال، اینجا با من همراه باشید.

B وابسته است، که آن هم به دو متن دیگر قبل از خود، متن A از قبل به متن Y ممکن است متنی داشته باشید که متن وابسته باشد. و بنابراین می‌توانید ببینید که A و هم به متن Y ممکن است هم به متن C وابسته است. و متن C، و متن چگونه این ارتباط متقابل متون می‌تواند به طور بالقوه برای دیدن تصویر بزرگتر چالش برانگیز باشد. ببینید با یک مثال از عهد عتیق شروع کنیم. ما قصد داریم به اول پادشاهان، فصل ۱۱، آیات ۱ تا ۴ نگاهی بیندازیم. و بنابراین من آن را روی صفحه نمایش خواهم داد، اما شما را تشویق می‌کنم که نسخه خودتان از کتاب مقدس را باز کنید تا بتوانید آن را دنبال کنید.

اول پادشاهان ۱۱، آیات ۱ تا ۴. زنان ادومی، صیدونی و حتی. از میان امت‌هایی که خداوند درباره آنها به بنی اسرائیل گفته بود، با آنها ازدواج نکنید. شما هم نکنید. آنها هم با شما ازدواج نخواهند کرد. زیرا مطمئناً آنها قلب شما را به سوی خدایان خود منحرف خواهند کرد. سلیمان با عشق به اینها پیوست.

او ۷۰۰ همسر داشت که همگی شاهزاده خانم بودند و ۳۰۰ کنیز. و همسرانش قلب او را برگرداندند. زیرا وقتی سلیمان پیر شد، همسرانش قلب او را به دنبال خدایان دیگر برگرداندند. و قلب او کاملاً با خداوند، خدایش، مانند قلب پدرش داوود، صادق نبود.

بنابراین، وقتی این را می‌خوانید، و در آنجا متوجه می‌شوید، اشاره خاصی به چیزی وجود دارد که خداوند به مردم دستور داده بود که با این گروه‌های مختلف مردم ازدواج نکنند. و بنابراین می‌توانیم زمینه افقی و عمودی اول پادشاهان فصل آیات ۱ تا ۴ را به این شکل ترسیم کنیم، ۱۱.

بباید با زمینه افقی شروع کنیم. بنابراین، آیات ۱ تا ۴ را می‌خوانیم که بخشی از واحد روایتی است که از ۱۰:۲۶ تا امتداد دارد و سقوط سلیمان را به تصویر می‌کشد. این بخشی از یک واحد روایتی بزرگتر، اول پادشاهان ۱ تا ۱۱:۴۳ است که بر سلیمان و حکومت و سلطنت او تمرکز دارد، ۱۱.

و البته، این بخشی از یک واحد حتی بزرگتر است که ما آن را به عنوان کتاب پادشاهان می‌شناسیم. که در عهد عتیق در ابتدا یک کتاب بود، نه دو کتاب جداگانه. بنابراین، هم اول پادشاهان و هم دوم پادشاهان را در نظر بگیرید.

و سپس، حتی بزرگتر از آن، می‌توانیم کتاب پادشاهان را در چارچوب روایت تاریخی بزرگتری که در یوشع و داوود و سموئیل و اول و دوم پادشاهان به ما داده شده است، در نظر بگیریم. بنابراین این چارچوب افقی آنچه در فصل‌های اطراف و غیره اتفاق می‌افتد، است. اما اگر فقط در آنجا متوقف شویم، بخشی از اهمیت آنچه نویسنده می‌گوید را از دست خواهیم داد.

چون این توصیف از همسران سلیمان، حداقل به نظر من، احتمالاً به سه متن دیگر از عهد عتیق وابسته است، بنابراین، تثنیه فصل ۷، آیات ۳ تا ۴ را داریم که ممنوعیت ازدواج با اقوام اطراف را بیان می‌کند. و این به نوبه خود می‌تواند به خروج ۳۴ برگردد، جایی که ممنوعیت ازدواج با کسانی که به یهوه ایمان ندارند، وجود دارد.

اما دومین خطی که می‌توانیم در اینجا ترسیم کنیم، که احتمالاً اول پادشاهان ۱۱ از آن الهام گرفته است، تثنیه ۱۷ است که در مورد مسئولیت پادشاهان صحبت می‌کند. و یکی از چیزهایی که آن متن به ما می‌گوید این است که پادشاهان نباید همسران متعددی داشته باشند. و سپس سومین شاخه، تثنیه ۲۳.۳ و شاید تثنیه ۲۳.۷ نیز، ممنوعیتی خاص علیه ورود عمونیان و موآبیان به جمع خداوند.

شما فکر می‌کنید، خب، چرا خدا آنها را جدا می‌کند؟ خب، بخشی از آن به اعداد ۲۲ تا ۲۴ برمی‌گردد، جایی که موآبیان علیه بنی اسرائیل خیانت کردند. بنابراین می‌توانید ببینید که چگونه این زمینه عمودی در این عبارت در اول پادشاهان گرد هم آمده است. و اگر آن زمینه عمودی را درک کنید، کم‌کم اهمیت شکست سلیمان را می‌بینید. اینکه این ۱-۴: ۱۱، فقط یک چیز تصادفی نیست، بلکه اینها چیزهایی هستند که او باید بهتر می‌دانست و در واقع، بر اساس کتاب مقدس، بهتر می‌دانست.

خب، این اولین مثال ماست. می‌خواستیم با یکی از نمونه‌های خود عهد عتیق شروع کنیم. حالا متوجه خواهید شد که دیدن این خاکستری روشن‌تر اینجا ممکن است سخت باشد، اما در نحیمیا فصل ۱۳ آیات ۲۳ تا ۲۷، متنی در مورد ازدواج با زنان آمون، موآب و همچنین اشدود مانند سلیمان وجود دارد.

بنابراین یک متن بعدی آنچه را که در اینجا انجام شده است، ادامه می‌دهد و حتی در آن متن بعدی، احتمالاً به تثنیه نیز وابسته است. بنابراین به شما کمک می‌کند تا وابستگی متقابل چگونگی تجمع و شکل‌گیری این متون را تقریباً ۲۳ مانند، همانطور که بعداً خواهیم دید، به یک شبکه یا یک ارتباط، شبکه‌ای از متون که وقتی با هم تعامل دارند، به عنوان ارتباطی از متون، معنا پیدا می‌کنند، ببینید. امیدوارم این شما را دلسرد نکند، اما این یک مثال نسبتاً ساده در اینجا است.

می‌خواهم مثال دیگری از عهد جدید به شما نشان دهم، و شاید با این مثال آشنا باشید. اگر نسخه‌ای از کتاب مقدس دارید، به فصل اول انجیل مرقس مراجعه کنید. در فصل اول انجیل مرقس، همان ابتدای روایت انجیل مرقس، مرقس این را می‌نویسد. شاید قبلاً این متن را خوانده باشید و کمی کندوکاو کرده باشید و متوجه شده باشید که چیزی هست که در ابتدا به آن نگاه می‌کنید و بعد می‌گویید، یک دقیقه صبر کنید، آیا مرقس چیزی را اشتباه متوجه شده است؟ زیرا وقتی در آیه ۲ می‌گوید، همانطور که در اشعیا نبی نوشته شده است، نقل قولی که در ادامه می‌آورد از اشعیا نیست.

حال، در آیه ۳، آنچه او می‌گوید از اشعیا است، اما آنچه او ابتدا در آیه ۲ می‌گوید، جمله‌ای در مورد اینکه «من رسول خود را پیشاپیش تو می‌فرستم که راه تو را آماده خواهد کرد»، از ملاکی، فصل ۳، آیه ۱ است. بنابراین، بیایید نگاهی به زمینه عمودی ببینیم. می‌توانیم آن را اینگونه نمایش دهیم. ما با مرقس، فصل ۱، آیات ۲ و ۳ شروع می‌کنیم و می‌بینیم که از ملاکی ۳: ۱ و اشعیا، فصل ۴۰، آیه ۳ الهام گرفته شده است. با این حال، چیزی که ممکن است به طور کامل درک نکنیم این است که ملاکی ۳: ۱ از قبل از فصل ۴۰ اشعیا الهام گرفته است و اشعیا، فصل ۴۰، از قبل اشاره‌ای به خروج ۲۳: ۲۱ در خود جای داده است. پس بگذارید این را به شما نشان دهم.

من متن را همینجا دارم. پس دوباره، بیایید به انجیل مرقس نگاه کنیم، و من سعی کرده‌ام اینها را با رنگ مشخص کنم تا بتوانید ارتباط بین این قسمت‌ها را ببینید. بنابراین مرقس نوشت، همانطور که در اشعیا نبی آمده است، اینک، من رسول خود را پیشاپیش تو می‌فرستم که راه تو را آماده خواهد کرد.

شما می‌گویید، بسیار خوب، این ملاکی ۳: ۱ است. خوب، به ملاکی ۳: ۱ می‌رسیم، می‌بینیم، اینک، من فرستاده‌ام را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من آماده خواهد کرد. و شما بروید، یک دقیقه صبر کنید. در واقع، وقتی به فصل ۴۰ اشعیا نگاه می‌کنید، مطمئناً به نظر می‌رسد که ملاکی زبان را از آنجا برمی‌دارد، زیرا اشعیا گفته بود، در بیابان، راه خداوند را آماده کنید.

بخشید، در بیابان، در صحرا، شاهراهی برای خدای ما بسازید. نکته اینجاست. در ملاکی ۳، اشاره‌ای به اشعیا ۴۰، آیه وجود دارد. بنابراین نکته اصلی این است که بدانیم وقتی مرقس این دو متن را با هم ترکیب می‌کند، کار جدیدی انجام نمی‌دهد.

او صرفاً از ملاکی پیروی می‌کند و می‌گوید، ملاکی پیش از این سخنان خود را با اشعیا ۴۰ جمع‌بندی کرده و این پیام‌آور را با آماده‌سازی راه برای خداوند مرتبط ساخته است. اما این کاملاً کافی نیست، زیرا چیزی که باید بدانیم این است که حتی در اشعیا، او از خروج ۲۳، آیات ۲۰ و ۲۱ الهام گرفته است. اینجاست که یهوه به اسرائیل می‌گوید، اینک، من پیام‌آوری پیش روی شما می‌فرستم تا شما را در راه محافظت کند و شما را به مکانی که آماده کرده‌ام، برساند.

با دقت به او توجه کنید و از صدای او اطاعت کنید. از او سرکشی نکنید، زیرا او گناهان شما را نخواهد بخشید، زیرا نام من در اوست. حال، نکته‌ای وجود دارد که باید در اینجا تشخیص دهید: اینکه هم در زبان عبری و هم در زبان یونانی، اصطلاحی که در آنجا استفاده می‌شود می‌تواند به معنای یک پیام‌آور انسانی یا یک موجود فرشته باشد.

و همه چیز به زمینه و هدف مورد نظر بستگی دارد. وقتی به خروج ۲۳ نگاه می‌کنید، به نظر می‌رسد که زمینه به نوعی موجود فرشته مانند اشاره دارد. اما وقتی به اشعیا ۴۰ و سپس دوباره به ملاکی فصل ۳ نگاه می‌کنید، به نظر می‌رسد که یک پیام‌آور انسانی است.

و این همان چیزی است که مرقس در اینجا، در آیات ۲ و ۳ باب ۱ انجیل مرقس، به آن اشاره می‌کند. بنابراین، با بازگشت به نمودارمان، می‌توانیم ببینیم که باب ۱ انجیل مرقس هم از ملاکی و هم از اشعیا الهام گرفته است. و سپس اشعیا از کتاب خروج الهام گرفته است، و سپس او از ملاکی در کنار هم قرار دادن این دو متن پیروی می‌کند. اما نکته جدید در این اسلاید این است که به دلیل پیوند این متون با یکدیگر، باعث فعال شدن ارتباطات اضافی در بافت افقی می‌شود.

و بگذارید منظورم را توضیح دهم. اینجا می‌بینید که این ردیف، انجیل، درست است؟ مرقس روایت خود را با کلمه انجیل معرفی می‌کند. و شما فکر می‌کنید، خوب، خوب، او این اصطلاح را از کجا آورده است؟ خوب، اگر به اشعیا فصل ۴۰، آیه ۹ نگاه کنید، می‌گوید، این زبان انجیل در ترجمه هفتادگانی است، ۴۰.

مرتبط است. و بنابراین، این زبان انجیل از euangelion است که با اسم euangelizo این همان است؛ این فعل اینجا می‌آید: زمینه وسیع‌تر اشعیا. ای اورشلیم، ای منادی مژده، صدايت را با قدرت بلند کن.

آن را بلند کنید، نترسید، به شهرهای یهودا بگوئید، اینک خدای شما. و بنابراین اگر به عقب برگردیم، نباید تعجب‌آور باشد که در متن مرقس ۱، زبان انجیل را می‌بینیم زیرا در اشعیا ۴۰، آیه ۹، در متن افقی اینجا نیز وجود دارد. در مورد ملاکی فصل ۳، آیه ۱ چطور؟ آیا متن افقی وجود دارد؟ خب، در واقع وجود دارد، زیرا بعداً در ملاکی، از چه کسی نام برده می‌شود؟ الیاس.

به ملاکی فصل ۴، آیه ۵ نگاه کنید. انصافاً، در مرقس فصل ۱، آیه ۶، او صریحاً از اصطلاح الیاس استفاده نمی‌کند، اما چگونه یحیی تعمید دهنده را توصیف می‌کند؟ با لباس و رژیم غذایی‌اش و نحوه توصیفش، او به عنوان یک شخصیت الیاس به تصویر کشیده شده است. و بنابراین این نمونه‌ای از بافت افقی است که توسط این شبکه از متون که با هم مرتبط هستند، فعال می‌شود. بیایید در اینجا به چند مورد دیگر نگاه کنیم.

این ایده حضور خداوند. پس به یاد دارید که اینجا در مرقس فصل ۱ دیدیم که چگونه او اعلام کرد، بیایید به اینجا برگردیم. اینک، من رسول خود را پیشاپیش تو می‌فرستم، که راه تو را آماده خواهد کرد.

صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند، راه خداوند را آماده کنید. بنابراین حضور خداوند توسط این پیام‌آور آماده خواهد شد. و ما در خروج فصل ۳۳ می‌بینیم که خداوند به اسرائیل وعده می‌دهد، حضور من با شما خواهد آمد و من به شما آرامش خواهم داد.

بنابراین، این تصویر نشان می‌دهد که چگونه زمینه عمودی، این ارتباط، این پیوند این سه متن که در آیات ۲ و ۳ باب انجیل مرقس آمده‌اند، باعث فعال شدن ارتباطات اضافی با زمینه افقی این متون عهد عتیق می‌شود. و به همین دلیل ۱ است که هنگام مطالعه نحوه استفاده یک نویسنده عهد جدید از یک متن عهد عتیق، یا حتی نحوه استفاده یک نویسنده عهد عتیق متأخر از یک متن عهد عتیق متقدم‌تر، بسیار مهم است که به عقب برگردیم و آیه یا آیات خاصی را که استفاده می‌شوند، بخوانیم. زیرا اغلب، نقاط اتصال اضافی را در آن زمینه‌ها مشاهده خواهید کرد که نشان می‌دهد نویسنده متأخر کتاب مقدس فقط یک عبارت کوچک را گلچین نمی‌کند، آن را با جراحی از آن متن استخراج نمی‌کند و سپس آن را در اثر خود قرار نمی‌دهد.

او تا حد زیادی نوعی ارتباط متنی و زمینه‌ای را فرض می‌کند. این یک مثال از عهد جدید است. چیزی که می‌خواهم در بحثمان در مورد زمینه برجسته کنم، چیزی است که می‌توانیم به آن شبکه‌های متنی بگوئیم.

حالا، اجازه دهید نگران نباشید، چون چیزی که قرار است روی این صفحه ببینید می‌تواند کاملاً طاقت‌فرسا باشد. و من قرار نیست همه چیز را توضیح دهم. فقط سعی می‌کنم برایتان توضیح دهم که چه می‌بینید و چگونه می‌تواند مفید باشد.

بنابراین، آنچه ما اینجا روی صفحه داریم، تصویری کلی از شبکه عهد داوود است. و بنابراین، وقتی به عهد داوود فکر می‌کنیم، متن کلیدی در اینجا دوم سموئیل ۷، آیات ۱۱ تا ۱۵ است. و چیزی که این نمودار سعی دارد به شما نشان دهد این است که چگونه از آن متن در متون بعدی کتاب مقدس استفاده شده، به آن اشاره شده و بسط داده شده است.

اینکه چگونه سایر متون بعدی کتاب مقدس، چه در عهد جدید و چه در عهد عتیق، آن عهد داوود را در نظر می‌گیرند و درباره آن تأمل می‌کنند. آنها آن را بسط می‌دهند. آنها آن را به سایر ایده‌ها و مضامین کتاب مقدس پیوند می‌دهند.

اما چیزی که این به شما نشان می‌دهد این است که پیش از عهد با داوود، پیش‌زمینه‌هایی وجود داشته است. برای مثال، در پیدایش ۴۹، آیه ۱۰، متنی دارید که به آنچه در دوم سموئیل ۷ می‌بینیم اشاره دارد و قرار است آن را تکمیل کند. بنابراین، بیایید سعی کنیم این موضوع را کمی باز کنیم. در اینجا دوم سموئیل ۷، آیات ۱۲ تا ۱۵ آمده است.

خدا به داوود می‌گوید، من او را با عصای آدمیان، با تازیانه‌های بنی‌آدم، تأدیب خواهم کرد. اما محبت پایدار من از او جدا نخواهد شد، همانطور که آن را از شاول گرفتم، کسی که او را از حضور تو کنار گذاشتم. بنابراین این وعده اصلی

است که ما در وعده خدا به داوود در مورد این پادشاه می‌بینیم، ابتدا سلسله‌ای از پادشاهان، اما در نهایت یک پادشاه است که از این سلسله خواهد آمد و بر پادشاهی ابدی حکومت خواهد کرد.

و این شبکه متنی سعی دارد به شما نشان دهد که چگونه آن وعده، چگونه آن زبان بعداً در داستان کتاب مقدس مطرح می‌شود. و بنابراین، برای مثال، من به پیدایش ۴۹ اشاره کردم. اگر به آنجا نگاه کنید، پیدایش ۴۹، این برکت خدا به قومش از طریق پدرسالار، یعقوب، است.

و او پسرانش را پیش از مرگش برکت می‌دهد. و این را به یهودا می‌گوید: عصا از یهودا دور نخواهد شد، و نه عصای فرمانروایی از میان پاهایش، تا زمانی که خراج به او برسد و اطاعت مردم از او باشد.

البته، حالا به یاد داریم که داوود از کدام قبیله است؟ او از قبیله یهودا است. و بنابراین آن وعده در پیدایش ۴۹ اکنون در دوم سموئیل ۷ شکل بسیار خاص‌تری به خود می‌گیرد. اما اینطور نیست که فقط با دوم سموئیل ۷ متوقف شود متون بعدی کتاب مقدس آن را گسترش می‌دهند، توسعه می‌دهند، در مورد آن تأمل می‌کنند. بنابراین، برای مثال، یکی از این موارد را همین جا می‌بینید، مزمور ۲، آیات ۶-۸.

و متوجه خواهید شد که از پیدایش ۴۹:۱۰ تا مزمور ۲، آیات ۶-۸، یک خط چین وجود دارد. که به نوعی می‌توان گفت که هم دوم سموئیل ۷ و هم پیدایش ۴۹ بر آنچه در مزمور ۲ گفته شده است، تأثیر می‌گذارند. بنابراین مزمور ۲، آیات بنابراین حتی در این متن از مزمور ۲، می‌توانید ببینید که چگونه از پیدایش ۴۹:۱۰ تأثیر پذیرفته است، درست ۸-۶ است؟ ایده اطاعت قوم‌ها، درست است؟ من ملت‌ها را میراث تو و اقصای زمین را ملک تو خواهم ساخت.

اما این عبارت که «تو پسر من هستی». «خب، این عبارتی است که مستقیماً از دوم سموئیل ۷ قرض گرفته شده است. جایی که خدا درباره این پادشاه آینده می‌گوید، من پدر او خواهم بود و او پسر من خواهد بود. بنابراین می‌توانید ببینید که چگونه مزمور ۲، پیدایش ۴۹ و دوم سموئیل ۷ را با هم ترکیب می‌کند. و این موضوع بعداً در مزامیر نیز مطرح می‌شود.

مزمور ۸۹، آیات ۲۰ و ۲۱ و سپس ۲۶ و ۲۷. من دریافته‌ام بندهام داوود را با روغن مقدس خود مسح کرده‌ام، تا دست من با او استوار شود. بازوی من نیز او را تقویت خواهد کرد.

او مرا صدا خواهد زد که تو پدر من، خدای من و صخره نجات من هستی. اکنون، آیه ۲۷. و من او را نخست زاده والاترین پادشاهان زمین خواهم ساخت.

و به شما پیشنهاد می‌کنم وقتی به عهد جدید می‌رسیم، و در غسل تعمید عیسی می‌بینیم که صدایی از آسمان به عیسی می‌گوید: «تو پسر محبوب من هستی. من از تو بسیار خشنودم.» باید آن زبان پسرخواندگی را در پس‌زمینه‌ی این شبکه‌ی کامل از انتظارات، امیدها و وعده‌هایی که در ارتباط با این وعده در دوم سموئیل فصل ۷ شکل گرفته است، درک کنیم. حالا فقط می‌خواهم مختصری در مورد این نمودار خاص اینجا بگویم.

چون دوباره، وقتی به این نگاه می‌کنید، می‌تواند کاملاً گیج‌کننده به نظر برسد. و من نمی‌خواهم شما در تمام جزئیات گم شوید. این از کتاب مفید گری اشنیتیر، «استفاده عهد عتیق از عهد عتیق» گرفته شده است.

او مجموعه‌ای کامل از این شبکه‌های متنی را دارد. نکته کلیدی که می‌خواهم شما آن را درک کنید، انباشت معنایی است که اتفاق می‌افتد. و اینکه وقتی یک نویسنده کتاب مقدس متأخر، مثلاً از زبان مزمور ۲ الهام می‌گیرد. اگر فقط بایستیم. و به مزمور ۲ نگاه کنیم، خب، این همان چیزی است که نویسنده کتاب مقدس از آن الهام گرفته است.

و متوجه نیستید که مزمور ۲ در واقع خود از دوم سموئیل ۷ الهام گرفته شده است. و همچنین تحت تأثیر انتظار موجود در پیدایش ۴۹ قرار گرفته است. اینکه ما فقط بخشی از تصویر کامل آنچه نویسندگان کتاب مقدس درک کرده‌اند را دریافت می‌کنیم. و بنابراین ایده اینجا این است که دوباره تمام جزئیات خاص نحوه ارتباط این متون را برای خودتان کشف نکنید.

بیشتر در مورد این است که بتوانیم از چیزی شبیه به این استفاده کنیم و بگوییم، بسیار خوب، اگر به مزمور ۸۹ برخوردیم و این زبان را دیدیم. یا حتی مزمور ۱۱۰، که ما به طور خاص در مورد آن صحبت نکردیم، اما بارها در عهد

جدید نقل شده است. شما واقعاً باید برای درک آنچه مزمور ۱۱۰ می‌گوید، آن را در پرتو دوم سموئیل ۷ درک کنید. و بقیه این شبکه وعده‌های مرتبط با این وعده به داوود.

خب، حالا بیایید کمی به عقب برگردیم و به چند نکته‌ی کلیدی بپردازیم. خیلی زیاد است. در اینجا به چند نکته‌ی کلیدی اشاره می‌کنیم.

اولین مورد این است که به هر دو زمینه افقی و عمودی توجه کنید. بنابراین وقتی به چیزی برمی‌خورید که به نظر می‌رسد اشاره‌ای به متن قبلی است، به عقب برگردید و متن اصلی را با دقت بیشتری بخوانید.

و فکر می‌کنم چیزی که کم‌کم کشف خواهید کرد این است که نقاط تماس بیشتری را خواهید دید. بین آنچه ما متن اهداکننده می‌نامیم، متن اصلی که به آن استناد یا اشاره شده است. و متن گیرنده، جایی که آن متن اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد.

دوم، به انباشت معنا از طریق بافت عمودی توجه کنید. به عبارت دیگر، همانطور که این شبکه‌ها، این پیوندهای متنی، این متون به هم پیوسته در تار و پود را می‌بینید، به این توجه کنید که چگونه آنها بر ماهیت آنچه خدا وعده می‌دهد یا می‌گوید که قرار است انجام دهد، بسط می‌یابند.

و در آخر، به این شبکه‌های متنی توجه کنید. همانطور که اشاره کردم، جایی که می‌توانید به راحتی این شبکه‌ها را پیدا کنید، کتاب گری اشنیکر با عنوان «کاربرد عهد عتیق از عهد عتیق» است. او حدوداً، یادم نیست که حدود دوازده یا پانزده مورد از این شبکه‌های متنی مختلف را دارد.

این به شما کمک می‌کند تا ارتباط متقابل این متون با یکدیگر و شبکه رو به رشد تداعی‌ها و معانی که با تأمل و مطالعه این متون جمع می‌شوند را ببینید. و همانطور که روح خدا نویسندگان بعدی کتاب مقدس را هدایت کرد تا به آنها مراجعه کنند.

اما سپس در مورد ماهیت اینکه این شخص قرار بود چه کسی باشد، چه کاری قرار بود انجام دهد و ماهیت اینکه چگونه در نهایت به آن دست خواهد یافت، توضیح بیشتری بدهید. بنابراین، تصویر کلی را به خاطر بسپارید.

به آن بافت‌ها توجه کنید. افقی و عمودی. و به انباشت معنایی که از بافت عمودی ناشی می‌شود توجه کنید.

گاه بحث‌برانگیز گونه‌شناسی خواهیم پرداخت. و اینکه چگونه با دقت در مورد نحوه استفاده نویسندگان کتاب مقدس از آن فکر کنیم.

این سخنرانی دکتر متیو اس. هارمون در مجموعه «استفاده کتاب مقدس از کتاب مقدس» است. این جلسه دوم است، ارزش بافت و شبکه‌های متنی.